

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال نهم، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۵

صفحات: ۱۹۶-۱۷۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۹/۱۰

جایگاه و مسؤولیت نهاد ریاست جمهوری در ایران

دکتر محمدرضا عباسی فرد* / سامان عبداللهی** / عبدالله نظری***

چکیده

رئیس جمهور در هر کشوری بنابر ضرورت و اهمیت پست ریاست جمهوری دارای جایگاه رفیع و مسؤولیت می باشد تا با بهره گیری از آن‌ها ضمن اجرای صحیح وظایف خود، در راستای توسعه و بالندگی کشور متبوعش گام بردارد. این مسؤولیت‌ها به واقع نشأت گرفته از وظایف و اختیارات رئیس جمهور می باشند و رئیس جمهور را در مقام پاسخگویی به نحوه عملکردش در حیطه قانون اساسی قرار می دهد. با توجه به جایگاه پست ریاست جمهوری که در اکثر کشورها دارای اهمیت فوق العاده ای است، قرار دادن ضوابطی نظارتی در نحوه عملکرد رئیس جمهور امری معقول به شمار می آید. لذا رئیس جمهور همواره باید به این نکته توجه کند که در قبال اعمال خود مسؤول می باشد. رئیس جمهور در کشور جمهوری اسلامی ایران با توجه به قرار گرفتن در این موقعیت خطیر و به منظور حصول اطمینان به انجام رسالت، دارای اوصافی می باشد که این مقاله توصیفی - تحلیلی تلاش دارد این مهم را واکاوی نماید.

کلیدواژه‌ها

رئیس جمهور، قانون اساسی، رهبر، جایگاه رئیس جمهور، مسؤولیت رئیس جمهور.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

saman.1373@yahoo.com

** باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

*** کارشناسی ارشد حقوق عمومی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

مقدمه

رئیس جمهور در تمام کشورهای دارای این پست، دارای نقش و جایگاه ویژه و پر اهمیتی است. ریاست جمهوری، نمادی از حاکمیت در هر نظامی می‌باشد. در برخی نظام‌های سیاسی همچون نظام‌های ریاستی، رئیس جمهور ریاست قوه مجریه را عهده دار است و در نظام‌هایی چون نظام پارلمانی قوه مجریه دو رکنی می‌باشد و در نتیجه در کنار رئیس جمهور، نخست وزیر نیز نقشی اساسی در اعمال قوه مجریه دارد. در هر صورت بنا بر اهمیت پست ریاست جمهوری در تمامی نظام‌های سیاسی برای افرادی که در این منصب قرار می‌گیرند شرایط و ویژگی‌هایی در قوانین اساسی کشورها عنوان گردیده که داوطلبان احراز این سمت باید ویژگی‌های یاد شده در قوانین کشور متبوعشان را دارا باشند. پس از آن که صلاحیت افراد داوطلب احراز شد، رئیس جمهور به صورت مستقیم و از طریق آرای عمومی و یا غیر مستقیم از طریق نمایندگان مردم در مجلس انتخاب می‌گردد. در جریان احراز صلاحیت داوطلبان و برگزاری انتخابات و اعلام نتایج به منظور رعایت عدالت و حصول اطمینان از سلامت مراحل مختلف انتخاب رئیس جمهور، نهادی مردمی و مستقل از جریان‌های مختلف شرکت کننده در روند انتخاب ریاست جمهور، وظیفه نظارت بر روند مذکور را بر عهده دارد. پس از آنکه رئیس جمهور انتخاب گردید وی بنا بر نوع نظام سیاسی حاکم بر کشور خود از برخی اختیارات و امتیازات قانونی برخوردار می‌شود و وظایفی نیز بر عهده وی نهاده می‌شود که می‌بایست به نحوی معقول و درست آن‌ها را انجام دهد. به تناسب وظایف و اختیاراتی که بر عهده رئیس جمهور است وی دارای مسؤلیت می‌باشد، این مسؤلیت گاه به صورت محدود و گاه به صورت گسترده و در قبال ارکان سیاسی مختلف کشور می‌باشد.

۱. انتخاب ریاست جمهوری در ایران

انتخابات ریاست جمهوری ایران، انتخاباتی است که برای تعیین رئیس‌جمهور به عنوان شخص دوم مملکت با آرای مستقیم مردم صورت می‌پذیرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ پیش بینی شده است. آنگونه که در اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسؤلیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که در آن قانون مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد.

ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران از ارکان ظنامه و نهادی مهم و تأثیرگذار می‌باشد رئیس جمهور در ایران دارای اختیارات و وظایف گوناگون و گسترده ای است که وی را تبدیل به شخص نخست اجرایی کشور نموده است. بنابراین با توجه به موارد یاد شده، اصول مربوط به انتخاب رئیس جمهور در قانون اساسی و قانون انتخابات ریاست جمهوری عنوان گردیده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز قانون گزاران با توجه بر نقش و جایگاه ریاست جمهور و اهمیت آن نگاهی ویژه به انتخاب رئیس جمهور مبذول نموده اند. براین اساس به مثابه قوانین حاکم بر دیگر کشورها در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز ابعاد گوناگون انتخاب رئیس جمهور مورد بررسی قرار گرفته است به گونه‌ای که بحث‌های مفصلی از قانون اساسی به مسائل گوناگون مرتبط با انتخاب رئیس جمهور از جمله شرایط و ویژگی‌های داوطلبان کسب این منصب، روش انتخاب رئیس جمهور و مسائل گوناگون پیش روی چگونگی این انتخاب، تایید صلاحیت داوطلبان، نظارت بر انتخابات و حتی چگونگی امضا و تنفیذ حکم ریاست جمهوری پرداخته است، که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲. شرایط و ویژگی‌های داوطلبان پست ریاست جمهوری

مطابق اصل نوزدهم قانون اساسی: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند بنابراین، اصل بر این است که همه افراد ملت، یعنی تمامی کسانی که تابعیت کشور را دارند از حق انتخاب شدن به سمت ریاست جمهوری یا مناصب دیگر برخوردار باشند اما با توجه به ویژگی خاص نظام سیاسی کشور و اهمیت و جایگاهی که این مقام از آن برخوردار است، اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی شرایط خاصی را برای داوطلبی این مقام پیش بینی نموده است (رنجبر، ۱۳۸۴: ۶۹).

اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌کند: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور قانون گذار در این اصل شرایط و چارچوب کلی اصول حاکم بر این شرایط را عنوان نموده است.

در اصل یکصد و پانزدهم از عبارت رجال مذهبی و سیاسی به عنوان چارچوب کلی حاکم بر شرایط رئیس جمهور یاد شده است. خود این عبارت از سه قسمت تشکیل می‌شود:

۲-۱. رجال

این شرط قابل تجزیه و تحلیل می‌باشد. رجال جمع رجل و در لغت به معنای مردان است که در مقابل نساء به معنای زنان قرار می‌گیرد. استفاده از این واژه حکایت از آن دارد که ریاست جمهوری اسلامی ایران لزوماً باید از میان مردم انتخاب گردد.

بررسی مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی نشان می‌دهد چنین شرطی در پیش نویس اولیه و حتی در اصل پیشنهادی گروه بررسی کننده این اصل نیز وجود نداشته بلکه در همان جلسه علنی مطرح و مورد نزاع هم قرار گرفت. موافقان معتقد بودند ریاست جمهوری از شئون حکومت و ولایت است و در اسلام ولایت و قضاوت از مسؤولیت‌های مرد به شمار می‌رود. این گروه اضافه می‌کنند که حکومت و ولایت بیش از آنکه یک حق باشد یک مسؤولیت است. بنابر این شرط مرد بودن به معنای تضييع حق زنان نمی‌باشد. اما مخالفان اعتقاد داشتند ریاست جمهوری ولایت نیست، ولایت با رهبری است. او فقط قدرت اجرایی رئیس جمهور را که وکالت از سوی مردم است تنفیذ می‌کند. اگر زنان به این مرحله هم برسند که قدرت اجرایی و سیاسی پیدا کنند و دارای امانت و تقوا و حسن سابقه و مومن به مبانی اسلام باشند و رهبر هم تنفیذ کند مانعی ندارد (ورعی، ۱۳۸۵: ۷۳۴) برخی هم واژه رجال را صرف نظر از جنسیت زن یا مرد عنوان اعتباری برای شخصیت‌های سیاسی و مذهبی می‌دانند (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۷۱).

با این حال از نگاه آیت الله بهشتی نایب رئیس مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی که تاثیر بسزایی در حل معضلات این چنینی در مجلس خبرگان داشته است این اصل تنها جنبه ایجابی نسبت به ریاست جمهوری مردان داشته نسبت به رئیس جمهور شدن زنان ساکت است: ابتدا اصل را طوری تنظیم کرده بودند که صریحاً می‌خواست بگوید: از نظر اسلامی بانوان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند که این رأی نیاورد چون آرای مخالف حتی از فقهای حاضر در جلسه زیاد بود بنابراین به این صورت درآمد که قانون اساسی به بن بست کشیده نشود... قانون اساسی فعلی آن قدر مسلم را گفته است یعنی رجال مذهبی و سیاسی می‌توانند رئیس جمهور باشند و فعلاً راجع به زنان مساله را مسکوت گذاشته تا وقتی که زمینه فقاهتی گسترده آن به صورت

روشن آماده شود. در آن موقع می توان این را مطرح کرد و در آن به بحث پرداخت (حسینی بهشتی، ۱۳۷۷: ۳۴).

۲-۲. مذهبی بودن

این شرط برای رئیس جمهور به ماهیت حکومت اسلامی بر میگردد. کسی که داوطلب ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی می شود در واقع می خواهد مجری قوانین اسلام و مذهب رسمی کشور یعنی تشییع باشد. چرا که براساس اصل دوازدهم قانون اساسی دین رسمی ایران «اسلام» و مذهب «جعفری اثنی عشری» است بر همین اساس کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. منظور از مذهبی بودن رئیس جمهور، برخورداری از اطلاعات و معلومات مذهبی در سطح کافی و تشریح به احکام مذهبی است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۳۲۵). ترکیب دو واژه رجال و مذهبی نشان می دهد که صرف اعتقاد به دین و مذهب برای احراز پست ریاست جمهوری کفایت نمی کند بلکه رئیس جمهور باید از شهرت قابل قبولی نیز در زمینه مذهبی بودن برخوردار بوده همگان او را به عنوان کسی که اولاً دیندار و مذهبی است و ثانیاً دغدغه اجرای آن در جامعه را دارد بشناسند. به تعبیر حضرت امام (ره) کسی که ابتدا دین را در وجود خود پیاده نکرده باشد چگونه می تواند آن را در جامعه پیاده نماید: اگر آن کسی که در رأس حکومت است مثلثاً رئیس جمهور یا نخست وزیر اگر خودش اصلاح نکند خودش را و اگر خودش تابع قوانین اسلام نباشد قوانین اسلام را در مملکت وجود خودش اجرا نکند این نمی تواند حکومت اسلامی باشد و حاکم اسلام باشد... اسلام نمی پذیرد یک رئیسی را که برخلاف قوانین اسلام عمل بکند. لشکر اسلام نمی پذیرد یک کسی که در رأس باشد و عمل به اسلام نکند. نمی پذیرد یک اداره ای را که احکام اسلام در آن جاری نباشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۸۴).

۲-۳. سیاسی بودن

عبارت سیاسی بودن سه مفهوم را در ذهن تداعی می کند: نخست آنکه رئیس جمهور باید با دانش سیاست آشنایی کامل داشته باشد (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۵۰). بدین معنی که در رشته علوم سیاسی و یا رشته های مشابه دارای تحصیلات عالی باشد. و یا آنکه از تجربه کاری در امور سیاسی برخوردار باشد (همان). به عنوان نمونه

سخنرانی‌های متعددی در امور سیاسی داشته باشد و یا فعالیت‌های سیاسی انجام داده باشد، تا در بین عموم افراد به عنوان شخصیت سیاسی تلقی گردد. و یا آنکه در جایگاه سیاست گذاری بوده باشد. بدین معنی که در مشاغلی حضور داشته باشد که در آن سیاست گذاری برای نظام صورت گیرد، مانند وزارت، وکالت مجلس، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام و موارد مشابه. البته سیاسی بودن و احراز شخصیت سیاسی نیز به مفهوم آن نیست که شخص دارای تحصیلات عالی در رشته علوم سیاسی باشد. و نیز به معنای آن نیست که مدتی شاغل یک یا چند پست سیاسی بوده باشد. بلکه در احراز این عنوان کافی است که شخص دارای بینش سیاسی بوده، در مبارزات سیاسی نقشی ایفا کرده و لیاقت و کفایت خود را در تحلیل مسائل سیاسی و برخورد صحیح با آن‌ها به اثبات رسانده باشد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۳۲۵).

۳. وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در ایران

محتویات سوگند ریاست جمهوری بیان کننده نقش حساس و مهمی است که وی در پاسداری از قانون اساسی، حفظ نظام و دین و میهن، تضمین حقوق و آزادی‌های مردم و حراست از استقلال کشور باید داشته باشد. این تکالیف سنگین مستلزم اختیارات فراوانی است که رئیس جمهور نیازمند آن می‌باشد تا بتواند تکالیف فوق را انجام دهد. در قانون اساسی سال ۱۳۵۸، رئیس جمهور با داشتن شرایط ویژه (مذهبی، ملی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی) انتخاب مردمی و تایید رهبری موقعیت سیاسی و اجتماعی ممتازی داشت. اما علی رغم آن، یا فاقد اختیارات لازم بود و یا آنکه اقتدارات محدودش، در تنازع ناشی از عدم تمرکز قوه مجریه، در جریان عمل کم اثر و کم نتیجه می شد. پس از تحولات و تغییرات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، اقتدارات رئیس جمهور به نحوی چشمگیری افزایش یافته است، تا جایی که، برای ایفای نقش‌های سیاسی محوله دارای ابتکار عمل موثر می‌باشد که در اینجا به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۱. وظایف رئیس جمهور در امور اداری و اجرایی کشور

۳-۱-۱. در امور بین الملل

رئیس جمهور از نظر بین المللی، پس از مقام رهبری، عالی ترین مقام رسمی کشور محسوب می‌شود. به همین جهت در روابط بین المللی اختیاراتی را داراست:

۱. امضای عهدنامه‌ها و مقاوله نامه‌ها و موافقت نامه‌ها و قراردادهای بین المللی: اولاً، در مقام ریاست قوه مجریه، موظف به امضای قانون قرارداد بین المللی می‌باشد.

ثانیاً، پس از تصویب مجلس، در مقام اعمال حاکمیت و اقتدار ملی در روابط بین المللی، به عنوان طرف متعاقد اصل قرارداد بین المللی را امضا می نماید و یا امضای آن را به نماینده قانونی خود می سپارد. در این خصوص باید توجه داشت که ابتکار انعقاد با قوه مجریه است، نه قوه مقننه و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی در مقام نظارت استصوابی و صرفاً به منزله صدور مجوز انعقاد می‌باشد. بنابراین پس از تصویب مجلس، رئیس جمهور یا نماینده قانونی وی صلاحیت اختیاری امضا یا عدم امضای قرارداد را خواهد داشت و از این بابت دولت پاسخگوی مجلس نخواهد بود (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۹۲).^۱

۲. تعیین و پذیرش سفیران: اصل یکصد و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص مقرر می دارد: سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رییس جمهور تعیین می‌شوند. رییس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

۳. شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارها و اجلاس‌های بین المللی: براساس ماده دوازدهم قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران: شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارها و اجلاس‌های بین المللی که در سطح عالی ترین مقام اجرای کشورها تشکیل می‌شود در اختیار رئیس جمهوری می‌باشد.

۳-۱-۲. در امور داخلی کشور

۱. ریاست شوراهای عالی کشور

۲. ریاست بر سازمان‌های ستادی ریاست جمهوری

۳-۲. وظایف و اختیارات رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت و اعمال قوه مجریه

۳-۲-۱. ریاست هیأت وزیران: به موجب قسمتی از اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به

۱. اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقت نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهوری یا نماینده قانونی او است.

هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند.

۳-۲-۲. **وظایف رئیس جمهور در ایران، در هر دوره ایجاب نموده است که رئیس جمهور برخی از وظایف خود را به معاونین انتخابی از سوی خود، واگذار نماید.** محمل قانونی مورد استناد نیز عموماً اصل یکصد و بیست و چهارم قانون اساسی بوده که عنوان می‌دارد رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسؤولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.

۳-۲-۳. **اخذ استعفای وزیر و هیأت وزیران:** براساس اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی استعفای هیأت وزیران یا هریک از وزیران به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه می‌دهند.

۳-۲-۴. **تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بدون وزیر:** براساس اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی رئیس جمهوری می‌تواند برای وزارت خانه‌های که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید. گرچه ظاهر این ماده قانونی صلاحیت اختیاری رئیس جمهور را می‌رساند یعنی رئیس جمهوری می‌تواند این کار را هم نکند، اما روح قانون نشان از یک وظیفه خبر می‌دهد زیرا کار اجتماعی و کار اداری تعطیل بردار نیست و وزارتخانه نم‌تواند بدون وزیر یا سرپرست باقی بماند لذا رئیس جمهور موظف به تعیین سرپرست می‌باشد. دلیل پیش بینی چنین اصلی این است که گاهی رئیس جمهور یا مجلس، وزیری را عزل می‌کند و یا استعفای او را می‌پذیرد اما تعیین وزیر جدید و اخذ رأی اعتماد مجلس مدت زمانی به طول می‌انجامد که در این مدت اداره وزارتخانه با سرپرست موقتی است که رئیس جمهور تعیین می‌کند. این سرپرست موقت اگرچه از اختیارات وزیر برخوردار است ولی او در برابر مجلس مسؤولیت ندارد ولی چون رئیس جمهور تنها مرجع تعیین سرپرست برای وزارتخانه‌ها است پاسخگو عملکرد او در برابر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سرپرست عنوانی موقتی است و اداره او تا تعیین وزیر و حداکثر سه ماه است. همچنین در تصمیمات هیأت وزیران مشارکت ندارد. شورای نگهبان با تفسیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی اعلام کرد: رئیس جمهور نمی‌تواند شخصاً سرپرستی وزارتخانه‌های که وزیر ندارند را به عهده بگیرد.

۳-۲-۵. **تایید مصوبات کمیسیون‌های دولت:** براساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تایید رئیس جمهور لازم الاجرا است شایسته است که تایید چنین مصوباتی بدست رئیس جمهوری باشد.

۳-۲-۶. **اعطای نشان‌های دولتی:** طبق اصل یکصد و بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعطای نشان‌های دولتی بر رئیس جمهور است.

۳-۲-۷. **عضویت در شورای موقت رهبری:** در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. براساس اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی: تاهنگام معرفی رهبر، شورای مرکب از رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد.

۳-۲-۸. **مسئول مقدماتی بازنگری در قانون اساسی:** بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را ... پیشنهاد می‌کند.

۳-۳. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ارتباط با قوه مقننه

۳-۳-۱. **امضای قوانین:** براساس اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه ای همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی، امضا کند و برای اجرا در اختیار مسؤولان بگذارد.

۳-۳-۲. **پیشنهاد همه پرسی و امضای نتیجه آن:** یکی از روش‌های قانونگذاری، رجوع به آرای عمومی است. اصل بر وجود مجلس شورای اسلامی و تصمیم گیری از سوی نمایندگان مردم است لیکن به خود شهروندان نیز حق داده شده است طبق ضوابطی مستقیماً قدرت سیاسی و حاکمیت را اعمال کنند (قاضی، ۱۳۶) رجوع به آرای عمومی، خصوصاً همه پرسی تقنینی، نیازمند همکاری و مشارکت دولت و مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

۳-۳-۳. **نصب و عزل وزیران و رأی اعتماد به دولت:** قوه ی مجریه ی جمهوری اسلامی ایران، پس از مقام رهبری، نظام نیمه ریاستی محسوب می‌شود، بدین معنا که رئیس جمهور منتخب مردم است ریاستی پارلمانی و مجلس نقشی در تعیین آن ندارد، اما دولت با پیشنهاد رئیس جمهور و رأی اعتماد مجلس رسمیت می یابد طبق قانون اساسی یکی از وظایف رئیس جمهور به محض انتخاب و اخذ حکم از مقام رهبری، معرفی وزرا به مجلس جهت کسب رأی اعتماد است که این رأی اعتماد حتی با تغییر مجلس بنا بر اصل استصحاب به قوت خود باقی خواهد بود (عسگری، ۱۳۸۳:۳۷۸). رئیس جمهور در عزل وزرا اختیار کامل دارد اما برای نصب استقلال کامل ندارد یعنی پس از معرفی از طرف رئیس جمهور تنها با رأی اعتماد و تصویب مجلس شورای اسلامی ممکن می‌باشد (عسگری، ۱۳۸۳:۳۷۸).

۳-۳-۴. **توقف انتخابات مجلس:** براساس اصل شصت و هشتم قانون اساسی در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان کارش را ادامه خواهد داد به تریبی که ملاحظه می‌شود، رئیس جمهور مقام پیشنهاد دهنده توقف انتخابات می‌باشد. دلیلی که در این خصوص به نظر می‌رسد آن است که، رئیس جمهور در مقام ریاست قوه مجریه و همچنین ریاست شورای عالی امنیت ملی، نسبت به اوضاع و احوال کشور و حالت جنگ و ناآرامی‌های احتمالی که مخل به برگزاری انتخابات باشد، اشراف و وقوف کامل دارد. با این توصیف، چنانچه برگزاری انتخابات در یک یا چندحوزه انتخابیه امکان پذیر نباشد، رئیس جمهور توقف انتخابات در نقاط اشغال شده یا تمامی کشور را با ذکر مدت، کتباً به مجلس شورای اسلامی جهت اخذ تصمیم پیشنهاد می‌نماید^۱.

۳-۳-۵. **وظایف و اختیارات رئیس جمهور در حضور و احضار به مجلس:** براساس اصل هفتادم قانون اساسی رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتیکه نمایندگان لازم بدانند وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضاکنند مطالبشان استماع می‌شود.

۱. ماده ۸ قانون تعیین حدود و وظایف ریاست جمهوری.

۳-۳-۶. تقاضای تشکیل جلسه غیر علنی مجلس در شرایط اضطراری: به موجب اصل شصت و نهم در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود.

۳-۴. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ارتباط با قوه قضاییه

بین رئیس جمهور و قوه قضاییه ارتباط چندانی وجود ندارد و این، به خاطر اقتضای استقلال قوه قضاییه و جلوگیری از نفوذ مقامات بر کار این قوه می‌باشد معذالک، قانونگذار اساسی، بنا به ضرورت، از طریق وزیر دادگستری، ارتباط محدودی را در این خصوص مقرر داشته است. براساس اصل یکصد و شصتم قانون اساسی وزیر دادگستری مسؤولیت کلیه مسایل مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضاییه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد بنابراین از این طریق است که قوه مجریه با قوه قضاییه ارتباط محدودی پیدا می‌کنند و رئیس جمهور موظف است با همکاری مجلس قوه قضاییه، وزیر دادگستری را تعیین نماید. در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران وزیر دادگستری اصولاً نقش چندانی در ادارهی قوهی قضاییه ندارد. تدوین کنندگان قانون اساسی برای احتراز از نفوذ قوهی مجریه در قوهی قضاییه و به خطر افتادن آن نقش محدودی را برای وزیر دادگستری که عضو کابینه است در نظر گرفتند. از مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی چنین بر می‌آید که ابتدا نظر بر این بوده است که قوهی قضاییه وزیر دادگستری نداشته باشد. بلکه تمام امور دستگاه قضایی بوسیله شورای عالی قضایی سابق که اکنون به جای آن رئیس قوه منصوب می‌شود اداره شود و شورای عالی قضایی از بین قضات دادگستری یک یا دو نفر را به عنوان رابط با دولت برای تنظیم بودجه و با قوه مقننه برای معرفی لوایح و دفاع از آنها تعیین کند که پس از بحث‌های مختلف سرانجام به این نتیجه رسیدند که این رابط عنوان وزیر دادگستری داشته باشد (مهرپور، ۱۳۸۷: ۳۵۰). برای اینکه اموری اداری و اجرایی دادگستری دست و پاگیر نشود و همچنین این دستگاه در کابینه نماینده‌های داشته باشد، رئیس قوه قضاییه اشخاصی را که عمدتاً تخصص‌های حقوقی دارند به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند که یکی از آنها با صلاحدید رئیس جمهور به سمت وزیر دادگستری منصوب می‌شود (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۱: ۲۲).

۴. مسؤولیت اجرای قانون اساسی

قانون اساسی بیان گر آرمان‌های یک ملت است و به همین دلیل اجرای آن خواست کلی آنان به شمار می رود. قانون اساسی در هر نظام سیاسی به‌عنوان عالی‌ترین سند رسمی و شناسنامه همان نظام شناخته می‌شود، و در هر کشوری معمولاً رئیس قوه مجریه مسؤول اجرایی آن را به عهده دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل یکصد و سیزدهم این مسؤولیت به دوش رئیس جمهور گذاشته شده است: «پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسؤولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در امریکه مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد».

قانون اساسی به دو لحاظ حائز اهمیت است:

یکی آن که اساس و شالوده نظام، در کلیه شئون کشور در آن ترسیم و مقرر می‌گردد و صلاحیت‌ها به موجب آن سازماندهی می‌شود، دیگر آن که تعیین کننده حقوق و تکالیفی است که یک طرف آن حاکم پراقتدار و طرف دیگر آن افراد نوعاً ضعیف قرار دارند. این قانون آفریننده همه صلاحیت‌ها و مافوق مقاماتی است که بر اساس آن به وجود آمده‌اند و از طرف دیگر، بیان کننده حقوق ملتی است که برای زمامداران لازم می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر آن که حقوق ملت و نظم زمامداری را بیان می‌نماید، حاوی قواعد مربوط به نظام اسلامی، عدالت اجتماعی، همبستگی ملی، الگوی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین اصول امنیت قضایی و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. بنابراین، اطاعت از این قانون عام المنفعه بر همگان لازم است. اجرای صحیح این قانون فراگیر و بنیادین را فقط از طریق نظارت منظم اصولی می‌توان تضمین نمود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای پاسداری از این قانون مهم، از نظر تقنینی و اجرایی، قائل به تفکیک شده است:

- پاسداری تقنینی بر عهده شورای نگهبان است که از طریق نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی در مطابقت آن‌ها با شرع و قانون اساسی اقدام می‌نماید.

اصل نود و یکم قانون اساسی بیان می‌دارد: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی، از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود...». شورای نگهبان با برخورداری از نظارت استصوابی،

مصوبات مجلس شورای اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در صورتی که آن را مغایر با شرع یا قانون اساسی ببیند، جهت اصلاح به مجلس بر می‌گرداند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۰: ۵۲).
- پاسداری اجرایی، تحت عنوان مسؤولیت اجرای قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور قرار گرفته است.

بنابراین مسؤولیت تحقق نظارت بر اجرای قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور نهاده شده است؛ اما گستره این مسؤولیت تا چه اندازه است و در برابر این وظیفه، رئیس جمهور از چه اختیاری برخوردار است؟ از این رو در این باره دو نظریه اصلی وجود دارد، نظریه‌ای که دامنه این مسؤولیت را به همه قوا و نهادهای حاکمیت تعمیم می‌دهد و نظریه‌ای دیگر که آن را محدود به حوزه قوه مجریه می‌کند.

آنان که به گسترده تر بودن مسؤولیت اجرای قانون اساسی از حوزه ریاست قوه مجریه اعتقاد دارند، تنها به این نکته استدلال کرده اند که این عبارت در قانون اساسی مقید نیست. آن‌ها می‌گویند طبق اصل یکصد و سیزدهم رئیس جمهوری بطور مطلق و عام و شامل و بدون قید، مسؤولیت اجرای قانون اساسی را نیز به عهده دارد، در متن سوگندی که رئیس جمهوری طبق اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی ادا می‌نماید خود را شرعاً و قانوناً به انجام این مسؤولیت ملتزم می‌نماید و همانگونه که از متن سوگند نامه هم پیداست، سوگند او اختصاصی به حوزه قوه مجریه ندارد.

طرفداران این نظریه ارائه هیچ دلیلی جز اطلاق یا عموم اصل یکصد و سیزدهم را لازم نمی‌بینند و البته به یک ایراد نیز پاسخ داده‌اند. آن‌ها تنها ایراد ممکن بر این نظر را نقض استقلال قوا دانسته و تلاش کرده‌اند تا آن را از طریق تفکیک شأن ریاست قوه مجریه از عالی‌ترین مقام رسمی پس از رهبری توجیه کنند و بگویند:

انجام این وظیفه در ارتباط با قوای مقننه و قضائیه تداخل قوه مجریه در قوای دیگر و منافای با اصل تفکیک قوا محسوب نمی‌شود، چرا که قانون اساسی این وظیفه و مسؤولیت را نه به عنوان رئیس جمهور بلکه به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور بعد از رهبری بر عهده رئیس جمهور گذاشته است (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۱۹).

اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی دو شأن برای رئیس جمهور در عرض هم قائل شده که عبارت است از بالاترین مقام رسمی کشور بعد از رهبری و ریاست قوه مجریه. رئیس جمهور، در شأن ریاست قوه مجریه، در عرض رؤسای قوه مقننه و قضائیه قرار دارد و هر یک از

قوا بر اساس استقلال و تفکیک قوای نسبی وظایف خود را انجام می دهند و نباید تداخلی در وظایف یکدیگر داشته باشند، ولی در شأن بالاترین مقام رسمی کشور بعد از رهبری، رئیس جمهور بر کار دو قوه دیگر نظارت دارد که از اصول قانون اساسی تخطی نکنند. شاید بتوان گفت از این حیث رئیس جمهوری درجه نازله ای از رهبری است (مهرپور، ۱۳۸: ۴۷).

زمینه اولیه سپردن مسؤولیت اجرایی قانون اساسی را به رئیس جمهور، می توان در اصل هفتاد و پنجم پیش نویس قانون اساسی^۱ مشاهده نمود که وی را بالاترین مقام رسمی کشور پیش بینی نموده بود. اما پس از تصویب اصل یکصد و سیزدهم، رئیس جمهور پس از مقام رهبری عالیترین مقام رسمی کشور است. با این ترتیب و با توجه به مقام عالی رهبری، نمی توان از وی مسؤولیت تمام عیار اجرای قانون اساسی را متوقع بود. با وجود این، برای این مسؤولیت دلایل توجیهی قابل قبولی وجود دارد.

با توجه به اینکه رئیس جمهور:

۱. نماینده منتخب و مستقیم مردم و یکی از مظاهر برجسته حاکمیت ملی است.

۲. عالیترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری است.

۳. مورد تایید مقام رهبری است.

۴. رئیس قوه مجریه است.

با توجه به موارد عنوان شده، می توان رئیس جمهور را پس از رهبری، مناسبترین مقام برای ایفای وظیفه مسؤولیت اجرای قانون اساسی دانست (مهرپور، ۱۳۸: ۴۸).

بنابراین در مقام مسؤولیت اجرایی قانون اساسی هم مقام رهبری مسؤولیت دارند و هم رئیس جمهور مهم ترین مسؤولیت رئیس جمهوری مسؤولیت اجرای قانون اساسی است و اجرای قانون اساسی تنها به قوه مجریه ارتباط ندارد بلکه قوه مقننه و قضائیه، نیز تکلیف دارند که در چارچوب قانون اساسی عمل نمایند و رئیس جمهور اعمال این دو قوه را تا آنجا که به قانون اساسی ارتباط پیدا می کند باید مد نظر داشته باشد و در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی یا انحراف از آن به فوریت وارد عمل شود از این رو او می تواند به قوای دیگر تذکر و اخطار دهد. این گروه، گاه برای تایید نظر خود به برداشت و رفتار شورای نگهبان نیز استناد کرده اند. به اعتقاد آنان شورای نگهبان به عنوان مفسر رسمی قانون اساسی نیز چنین

۱. اصل ۷۵ پیش نویس قانون اساسی: رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی، روابط بین المللی و اجرای قانون اساسی است.

برداشتی از اصل مورد بحث داشته است. مواد ۱۳ تا ۱۶ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب آبان ۱۳۶۵ که به تایید شورای نگهبان رسیده است آشکارا بر عمومیت مسؤولیت رئیس جمهور نسبت به غیر از قوه مجریه دلالت می‌کند و مقرراتی را بیان می‌دارد:

۱. به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی، رئیس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسؤول اجرای قانون اساسی می‌باشد. مقررات این ماده به رئیس‌جمهور امکان استفاده از ابزار و لوازم فراوانی را می‌دهد تا از طریق آن‌ها اجرای قانون اساسی را تضمین نماید.

۲. در صورت نقض و تخلف و عدم اجرای قانون اساسی، رئیس‌جمهور می‌تواند به نحوی که خود مقتضی بداند از طریق اخطار، تعقیب و ارجاع پرونده متخلفین به محاکم قضایی اقدام کند.

۳. در صورت مشاهده تخلف از قانون اساسی در دستگاه‌های قدرت عمومی قانونگذار حق هشدار و اخطار به قوای سه‌گانه را برای رئیس‌جمهور قائل شده است.

این‌گونه اخطارها، هر چند که اثر حقوقی چندانی را به دنبال ندارد، اما واجد ارزش سیاسی و تبلیغاتی می‌باشد. در این ارتباط، رئیس‌جمهور می‌تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.^۱ طرح این‌گونه آمارها در مجلس، زمینه را برای ارزیابی قضیه احترام به قانون اساسی فراهم می‌سازد. پس از آن، انعکاس مذاکرات مجلس و بازتاب مطبوعاتی و اجتماعی آن بدون شک آثار ارشادی و فرهنگی خوبی را در جهت تقویت اعتقاد عمومی به اصل حاکمیت قانون، خصوصاً قانون اساسی (که پشتیبان آزادی و حقوق مردم است) به جای خواهد گذاشت.

در برابر نظریه مسؤولیت گسترده، برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که رئیس‌جمهور تنها مسؤول اجرای قانون اساسی در قوه مجریه است (کعبی، ۱۳۸۰: ۳۴)؛ آن هم جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود.

خلاصه استدلال این گروه آن است که اولاً اصل یکصد و سیزدهم در مقام بیان وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور مجریه است و نمی‌توان آن را مطلق یا عام دانست؛ گذشته از اینکه در همین اصل صراحتاً همه مسؤولیت‌های رئیس‌جمهور مقید شده است. ثانیاً و بر فرض پذیرش

۱. ماده ۱۶ قانون تعیین حدود اختیارات ریاست جمهوری.

ظهور ابتدایی اصل مذکور در گستره ای بیش از ریاست قوه مجریه، به ناچار باید آن را با اصول کلی دیگر نظیر اصل تفکیک و استقلال قوا و یا اختیارات مقام رهبری تقیید کرد.

توضیح گفته‌های فوق این است که: اصل یکصد و سیزدهم از جمله اصولی است که در فصل نهم قانون اساسی و تحت عنوان قوه مجریه جای گرفته است و لذا باید در همین حوزه نیز تفسیر گردد. قانون اساسی ضمن پذیرش تفکیک و استقلال قوای سه گانه، برای هر یک از آنان فصلی جداگانه گشوده و به ذکر وظایف و اختیارات آنان پرداخته است و طبیعی است که در این صورت نباید هیچ اصلی را خارج از حوزه بحث خود معنا کرد.

علاوه بر این، همه مسؤولیت‌های رئیس جمهور در اصل یکصد و سیزدهم منحصر به اموری شده است که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود. در اصل یکصد و سیزدهم دو مسؤولیت بر عهده رئیس جمهور نهاده شده است، او «مسؤولیت اجرای قانون اساسی» و «ریاست قوه مجریه» را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد اما همانگونه که ملاحظه می‌شود هر دو مسؤولیت‌های مقید به اموری شده است که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود. به عبارت دیگر قید جز در اموری که، تنها مربوط به ریاست قوه مجریه نیست بلکه مسؤولیت‌های اجرای قانون اساسی را هم مقید می‌کند. بنابراین رئیس جمهور مسؤول اجرای قانون اساسی است اما جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود.

برای گفته فوق یک شاهد ادبی نیز ارائه شده است. از لحاظ ادبی عبارت مسؤولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه به یکدیگر عطف گردیده اند. زیرا اگر عبارت مسؤولیت اجرای قانون اساسی به کل عبارت ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود عطف شده باشد آنگاه با فرض حذف عبارت معطوف، عبارت معطوف به، بدون وجود حرف «را» فاقد صحت ادبی است. لذا با قبول آنکه عبارت ریاست قوه مجریه به عبارت مسؤولیت اجرای قانون اساسی عطف گردیده، آنگاه عبارت جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود استثنایی بر عبارت اول نیز خواهد بود و مفهوم آن این است که چون در قوه مجریه بخشی از امور مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود و بخش دیگر به رئیس جمهور، بنا براین در قسمتی که ریاست آن بر عهده رئیس جمهور است، در همان قسمت نیز مسؤولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد، همانگونه که روسای سایر قوا نیز مسؤول اجرای قانون اساسی در قوه مربوط به خود هستند (نجفی اسفاد، ۱۳۸۰: ۳۱۸).

چنانکه ملاحظه شد هر یک از طرفداران گسترده یا محدود بودن مسؤولیت اجرای قانون اساسی نسبت به قوه مجریه، دلایل و شواهدی را برای اثبات نظریه خود ارائه کرده‌اند. اما نظریه‌های آن‌ها نیز خالی از خدشه و ایراد نیستند. این وضعیت خاص و دشوار ناشی از همان تناقضی است که در تدوین اصل یکصد و سیزدهم به آن اشاره شد. نمی‌توان انکار کرد که مراد از مسؤولیت اجرای قانون اساسی در تدوین و پیشنهاد اولیه این اصل واقعاً مسؤولیتی فراگیر و مربوط به اجرای همه قانون اساسی بوده اما پس از آنکه در تدوین نهایی قانون اساسی، رئیس جمهور دیگر عالی‌ترین مقام رسمی کشور نشد، دیگر باید در مورد مسؤولیت اجرای قانون اساسی، به آن صورت گسترده، نیز تجدید نظر می‌شد؛ کاری که به دلیل شرایط خاص سیاسی و اجتماعی آن زمان، درگیری‌های منطقه‌ای، توطئه‌های جهانی، اختلافات حاد داخلی با دولت موقت و بالاخره شتاب فوق‌العاده و قابل‌درکی که برای اتمام کار مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود داشت، انجام نشد و در نتیجه این عبارت با ظاهر گسترده خود باقی‌ماند ولی همه ابزار و لوازم آن حذف شد.

به نظر می‌رسد برای تبیین مفهوم و محدوده این مسؤولیت، مانند هر مسؤولیت دیگر، نمی‌توان قواعد زیر را نادیده گرفت:

۱. مسؤولیت به هر معنی و اندازه باشد، باید مقدمات، ابزار و ضمانت‌اجراهای لازم را نیز در اختیار مسؤول بگذارد. بنا بر موازین حقوق مسؤولیت فرع بر اختیار است و خواستن مسؤولیت، بدون آنکه اختیارات ضروری را به شخصی داده باشند، نوعی تکلیف به غیر مقدور است.

۲. مسؤولیت بدون پاسخگویی معنا ندارد. مسؤولیت با شأن و امتیاز فرق می‌کند و باید بتوان از مسؤول در خصوص وظیفه‌ای که به عهده داشته است بازخواست کرد. همانگونه که ضمانت اجرا برای اعمال اختیارات مسؤولیتی منطقی و لازم است، بازخواست و کیفر مسؤول که به رغم داشتن امکانات لازم، از ایفای وظیفه کوتاهی کرده است امری بدیهی و عقلانی است. با در نظر گرفتن این دو قاعده مسلم تردید ناپذیر عقلی، مسؤولیت رئیس جمهور در قبال اجرای قانون اساسی را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

بی‌شک، مسؤولیت او در قبال اجرای قانون اساسی در حوزه ریاستش بر قوه مجریه پذیرفتنی است؛ چه آنکه اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا است و طبق اصل یکصد و سی و چهارم «ریاست هیات وزیران باریس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با

همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می کند» و یا به موجب اصل یکصد و سی و هفتم «هر یک از وزیران مسؤول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور است». قانون اساسی در اصل یکصد و سی و ششم بالاترین ضمانت اجرا را نیز برای او در نظر گرفته و تاکید کرده است که رئیس جمهور می تواند وزرا را عزل کند.

اما نهادن بار مسؤولیت اجرای قانون اساسی در همه قوا به عهده رئیس جمهور با هیچ یک از دو قاعده مذکور سازگار نیست.

اولاً رئیس جمهور ابزار و ضمانت اجراهای لازم برای اجرای قانون اساسی در سایر قوا را در اختیار ندارد. حداقل ابزار لازم در این خصوص نظارت بر عملکرد آنهاست که در قانون اساسی، بویژه پس از بازنگری سال ۱۳۶۸، برای او پیش بینی نشده است. دخالت و اقدام عملی او در حیطه سایر قوا نیز چنان با استقلال قوا منافات دارد که با هیچ توجیهی قابل چشم پوشی نیست.

حتی طرفداران جدی نظریه مسؤولیت گسترده که تلاش کرده اند تا شأن عالی ترین مقام رسمی بودن پس از رهبری را دلیلی برای خود تلقی کنند، به ناچار اعتراف کرده اند که این مسؤولیت گسترده تا جایی است که آسیبی به اصول کلی و از جمله تفکیک و استقلال قوا وارد نسازد.

ثانیاً اعطای این مسؤولیت در سایر قوا به رئیس جمهور با قاعده دوم نیز ناسازگار است. زیرا یقیناً نمی توان رئیس جمهور را به استناد عدم اجرا یا نقض اصل یا اصولی از قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی یا یکی از محاکم دادگستری مورد بازخواست، استیضاح و یا حتی سؤال و تذکر قرار داد.

با توجه به موارد عنوان شده مسؤولیت اجرای قانون اساسی در سایر قوا، اگر واقعاً به معنای مسؤولیت، آن هم برای اجرا باشد، امری غیر قابل تطبیق با قانون اساسی و معیارهای کلی علم حقوق است.

۵. مسؤولیت رئیس جمهور

۵-۱. مسؤولیت حقوقی رئیس جمهور

اگر رئیس جمهور به عنوان مقام عالی کشور در انجام وظایف سیاسی و اجرایی خود مرتکب اعمالی شود که به حقوق و آزادی‌های مردم لطمه وارد آورد، علاوه بر گشوده شدن باب

مسؤولیت وی از نظر سیاسی، از نظر جزائی هم قابل تعقیب می باشد. هرگاه رئیس جمهور متهم به ارتکاب جرمی از جرائم عادی مثل ارتشاء و اختلاس شود، مسؤولیت کیفری دارد و مصون از تعقیب دستگاه قضایی نیست بلکه به اتهام او همچون سایر افراد عادی رسیدگی می شود. قانون اساسی جرائم رئیس جمهور را به دو دسته تقسیم کرده است:

تخلف از وظایف قانونی: در صورتی که اقدام رئیس جمهور و تخلف وی از وظایف قانونی، مصداق یکی از جرائم مذکور در مقررات کیفری شمرده شود. رسیدگی به آن مانند سایر تخلفات وی از وظایف قانونی بر اساس بند دهم اصل یکصد و دهم قانون اساسی بر عهده دیوان عالی کشور است.

جرائم عادی: رسیدگی به اتهامات رئیس جمهور، معاونان و وزیران او با استناد اصل یکصد و چهل و چهارم به اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی صورت می گیرد.

۵-۲. مسؤولیت مالی رئیس جمهور

در اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی مقرر شده است:

«دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد». اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی به قوه قضاییه این مسؤولیت را داده است. اگرچه این امر شامل رهبری نیز می شود، اما به دلیل اینکه بودجه کشور و مهم ترین بخش درآمد و هزینه های مملکت در اختیار رئیس جمهور و همکاران وی می باشد، این امر از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. ضمن این که اقدامات مالی آنان در هر شکل و هر زمان می تواند توسط سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات بررسی گردد تا در صورت تخلف و یا سوء استفاده در محاکم قضایی یا مراجع سیاسی رسیدگی شود.^۱

۵-۳. مسؤولیت سیاسی رئیس جمهور

قبل از اصلاح قانون اساسی مسؤولیت رئیس جمهور تنها در برابر ملت بود اما با اصلاحاتی که در قانون اساسی صورت گرفت و منجر به حذف پست نخست وزیری گردید، رئیس جمهور

۱. اصول پنجاه و پنجم و یکصد و چهارم قانون اساسی کشور ایران.

در حدود وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین بر عهده دارد در برابر سایر ارکان نظام سیاسی کشور نیز دارای مسؤولیت می‌باشد.

۵-۳-۱. مسؤولیت رئیس جمهور در برابر ملت: رئیس جمهور مستقیماً بارأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود. مردم با اطمینانی که به وعده‌ها و برنامه‌های وی دارند به او رأی می‌دهند. حال اگر رئیس جمهور نتواند وعده‌ها و برنامه‌های خود را پس از انتخاب شدن اجرایی و عملی نماید در برابر ملت مسؤول می‌باشد و عدم رضایت عمومی منجر به عدم انتخاب مجدد وی و سرانجام حذف شدن او از صحنه سیاسی می‌شود.

۵-۳-۲. مسؤولیت رئیس جمهور در برابر رهبر: رهبر در نظام جمهوری اسلامی دارای مقامی والا است و به واقع به نظام مشروعیت می‌دهد. رهبر به عنوان بالاترین مقام کشور حکم رئیس جمهور را تنفیذ می‌نماید و تا زمانی که رهبر از رئیس جمهور حمایت می‌نماید با تمام اختیاراتی و اقتداری که مجلس دارد نمی‌تواند عزل وی را موجب گردد (مدنی، ۱۳۸۹: ۳۱۶). به واقع می‌توان چنین استدلال کرد که پس از پیشنهاد عزل رئیس جمهور توسط مجلس یا به موجب محکومیت وی توسط دیوان عالی کشور، رهبری می‌تواند از عزل وی جلوگیری یا با آن موافقت نماید. بنابراین رئیس جمهور در برابر رهبر بنا بر استدلال فوق نیز دارای مسؤولیت می‌باشد.

۵-۳-۳. مسؤولیت رئیس جمهور در برابر مجلس شورای اسلامی: اصل ۱۲۲ و ۱۲۳ قانون اساسی صراحت دارد که رئیس جمهور در مقابل ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسؤول است. از جمله مسؤولیت‌های که در قانون اساسی پیش بینی گردیده مسؤولیت رئیس جمهور نسبت به اقدامات هیأت وزیران و وظایف و اختیارات قانونی خود در برابر مجلس است با وجود این که بر اساس اصل یکصد و سی و هفتم قانون اساسی هر یک از وزرا مسؤول وظایف خویش در برابر مجلس می‌باشند اما به دلیل آن که منتخب رئیس جمهور هستند و از طریق او به مجلس پیشنهاد می‌شوند و همچنین ریاست رئیس جمهور بر هیأت وزیران، رئیس جمهور نیز در قبال اعمال وزرا مسؤول می‌باشد. مطابق آنچه که در اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی آمده است «رئیس جمهور در صورت درخواست حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبنی بر سوال از وظایف و اقدامات وی مؤظف به حضور در مجلس و پاسخ به سوالات است». همچنین با توجه به ماده دوم اصل هشتاد و نهم قانون اساسی در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام

اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور موظف به ارائه توضیحات کافی در خصوص مسائل مطرح شده می‌باشد و در صورت آن که اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دهند مراتب جهت اجرا بند دهم اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

نتیجه گیری

در جمهوری اسلامی ایران قوه مجریه همانند هیچ یک از سیستم‌های رایج در نظام سیاسی ریاستی، و پارلمانی نیست. در غالب کشورها رئیس قوه مجریه رئیس کشور هم هست، به گونه ای که در کشورهای جمهوری رئیس جمهور و در کشورهای سلطنتی، شاه دارای این مقام می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی رئیس کشور و رئیس قوه مجریه دو مقام جدا هستند و هر یک نیز وظایف مستقلی دارند رئیس کشور که عنوان ولی امر و امامت را دارا است یک مرجع عام سیاسی مذهبی است که حکومت و قوای سه گانه کشور مشروعیت خود را ناشی از آن می‌دانند یعنی اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از پذیرش مهم ترین اصل خود یعنی اصل ولایت مطلقه نقطه پیوند و اتصال قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران را ولی فقیه و رهبر دانسته و اعمال حاکمیت قوای مزبور را صرفاً براساس نظر و نظارت رهبری مشروع و قانونی می‌داند. به عبارت دیگر رهبر رئیس دولت به معنای اعم و رئیس جمهور رئیس دولت به معنای اخص می‌باشد.

که عهده دار بخش اعظم امور اجرایی کشور است. به این ترتیب رئیس جمهور دومین مقام رسمی کشور می‌باشد رئیس جمهور ریاست قوه مجریه را دارد ولی این ریاست شامل همه امور اجرایی نیست و آنچه به این قوه مربوط است ولی در حوزه اختیارات و اقتدارات رهبری است از شمول ریاست او خارج می‌باشد. رئیس جمهور با جلب نظر رهبری وظایف و اختیارات وسیعی دارد و این وظایف تا به آن حد پیش می‌رود که ممکن است با تفویض رهبر بخشی از اقتدارات رهبری را هم در بر گیرد. در نهایت و به موجب اصل شصت قانون اساسی می‌توان گفت قوه مجریه به دو طریق اعمال می‌شود. طریق اول که به موجب اصل یکصد و دهم و برخی اصول دیگر بخشی از امور اجرایی را مستقیماً در اختیار رهبر گذاشته و هدایت و اجرای آن با رهبر است. طریق دوم طبق اصل یکصد و سیزدهم بر عهده رئیس جمهور نهاده شده است. وی همچنین متناسب با اختیارات قانونی خود دارای مسؤولیت می‌باشد. این مسؤولیت در قبال

مردم، رهبر، مجلس شورای اسلامی می‌باشد. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رئیس جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود عهده‌دار است. بنابر آنچه عنوان شد رئیس جمهور دومین مقام رسمی کشور می‌باشد و ریاست قوه مجریه و هیأت دولت را در اختیار دارد. همچنین رئیس جمهور به دلیل حضور در اجلاس بین‌المللی و حضور در محافل بلند پایه دیپلماتیک و پذیرش استوارنامه سفرای خارجی در سطح بین‌الملل به عنوان نماد حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. بنابر قانون اساسی وی در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی دارای مسئولیت می‌باشد. مسئولیت وی در قبال مردم عمل به تعهدات و اجرایی ساختن برنامه‌های انتخاباتی وی می‌باشد که در صورت عمل نکردن به وعده‌های خود مردم وی را برای تصدی مجدد این پست بر نمی‌گزینند. همچنین مسئولیت وی در قبال رهبری را می‌توان در امضا حکم عزل رئیس جمهور توسط مقام رهبری مشاهده نمود و در مورد مجلس شورای اسلامی این امر در سوال و استیضاح وزرا و رئیس جمهور نمود پیدا می‌کند. رئیس جمهور همچنین در امور قضایی و مالی نیز دارای مسئولیت می‌باشد و در صورت تخطی از آن‌ها قوه قضاییه مسؤول رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور از طریق دیوان عالی کشور می‌باشد.

فهرست منابع

- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۳). «نقش رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ره)، شماره ۲۴.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه»، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ششم و هفتم.
- حسینی بهشتی، محمد (۱۳۷۷). مبانی نظری قانون اساسی، تهران: انتشارات بقعه.
- رنجبر، وحید (۱۳۸۵). «مطالعه تطبیقی شرایط داوطلب ریاست جمهوری»، مجله مجلس و پژوهش.
- شعبانی، قاسم (۱۳۹۳). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۱). حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت.
- عسگری، پوریا (۱۳۸۳). قانون اساسی و نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات مجد.

جایگاه و مسؤولیت نهاد ریاست جمهوری در ایران...

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). *فقه سیاسی*، جلد اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان.
- قانون آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی با اصلاحات سال ۱۳۸۷ (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین و مقررات انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران*، تهران: ستاد انتخابات کشور.
- کعبی، عباس (۱۳۸۰). *قانون اساسی و ضمانت‌های اجرایی آن*، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های حوزه علمیه.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات پایدار.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۱). *مجموعه نظریات شورای نگهبان*، تهران: انتشارات موسسه کیهان.
- موسوی خمینی، روح اله (۱۳۸۵). *جلد نوزدهم صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی اسفاد مرتضی، محسنی فرید (۱۳۸۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۹). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- هدایت نیا فرج الله، کاویانی محمدهادی (۱۳۸۰). *بررسی فقهی حقوقی شورای نگهبان*، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ورعی، جواد (۱۳۸۵). *مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانون گذار*، قم: انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

